

آیا برف و بهمن جان کارگران کولبر را گرفت؟

صفحه ۲

عبدل گلپریان



روستای جانوره و دو هلیکوپتر در شوشه مروری بر اقدامات انقلابی و تأثیر گذار در جامعه

صفحه ۳

نسان نودینیان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان

اعتصابات و تجمعات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد

صفحه ۴

حزب کمونیست کارگری ایران

برف و بهمن جان تعداد دیگری از کارگران کولبر را گرفت

صفحه ۵

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

عزیزه لطف الهی

یادداشتهای هفته / عبدل گلپریان

صفحه ۶

برای برچیدن احکام مسخره امنیتی
علیه جعفر عظیم زاده و دیگر فعالین کارگری باید فاطعانه و متحد به میدان آمد

علل پدیده خودزنی در میان دختران دانش آموز

در جریان مارش زنان علیه ترامپ چه گذشت؟

فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران به همه کارگران
در سراسر کشور پیرامون حداقل مزد سال ۱۳۹۶

صفحه ۸

ترامپ حاصل بی افقی و گنبدگی سیستم سرمایه داری است

محمد آسنگران

عروج ترامپ در آمریکا، جایی که هنوز بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا است خطر بزرگی برای بشر امروز در کره زمین است. او حاصل بی افقی و گنبدگی نظام سرمایه داری دوره ما است. ظاهر امر این است که ترامپ برای نجات روند رو به افول آمریکا به میدان رانده شده است. قبلا اوباما با رویکرد دیگر قرار بود این نقش را اجرا کند. نتوانست و با پرونده ای شکست خورده قدرت را به ترامپ سپرد. اما ترامپ نه راه حل بحران سرمایه داری و روند رو به افول آمریکا، بلکه فیکوری عصبانی و ناراضی از این بحران و روند روبه افول اولین قدرت جهان است. قدرتی که نمیتواند در مقابل رقبای خود همانند گذشته نقش هژمونیک داشته باشد.

دوره هایی از تاریخ بشر قبلا تجربه شده است که بسیار شبیه به شرایط امروز آمریکا و محصول آن ترامپ است. آلمان هیتلری قبل از نازیها سالها با بحران زندگی کرد و با وجود قدرت اقتصادی و نظامی قابل توجه، احساس سرخوردگی شدیدی داشت. ناسیونالیسم آلمانی سهمی از ثروت و قدرت جهان را برای خود تصور میکرد که حصول آن با مانع رقبای دیگر مواجه بود. این احساس و سرخوردگی و ادعا و سهم خواهی بود که در دل بحران آن دوره باعث شد کسی همانند هیتلر به جلو سوق داده شود. قرار بود هیتلر با همان دیوانگی و اعتماد بنفس راهی پیدا کند که آلمان را به قدرت اول جهان رهنمون شود. سرنوشت او و روند قدرتیگری او هر تفاوتی با شرایط امروز آمریکا و ترامپ داشته

باشد يك وجه مشترك مهم ایدئولوژیک دارند که ناشی از سرخوردگی هر دو ناسیون و "اعتماد بنفس" پرچمداران نژادی آنها است. اینکه آیا ترامپ میتواند همانند هیتلر اما با خصوصیات و امکانات و محدودیتهای قرن بیست و یکم دست به تخریب بزند یا نه و اینکه این موجود عصبانی و سیاستهای مورد نظر اوچه سرنوشتی پیدا خواهد کرد هنوز روشن نیست. اما چیزی که روشن است اگر بشر در اواسط قرن بیست با يك پدیده مخرب به نام نازیسم آلمان و هیتلر مواجه بود، امروز کره خاکی ما با جمعیتی بیش از هفت میلیارد با دو پدیده به همان اندازه مخرب و خطرناک مواجه است. راسیسم نژادپرستانه که ترامپ فیکور اصلی آن است و اسلامیسیم خونریز و بیرحم و جنبش اسلام سیاسی که جمهوری اسلامی در راس آن قرار دارد.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ترامپ حاصل بی افقی ...



پراگماتیستی در کنار یکی میخواهد دومی را از میدان بدر کند. محدودنگریهای تحلیلگران و رسانه ها تا کنون باعث شده است بشریت متمدن از وجود این ویروسها ضربات زیادی بخورد و امروز فراتر از ضربه باید بگویم در خطر هست و نیست قرار گرفته است.

اگر راسیسم مذهبی در هیبت جنبش اسلام سیاسی از دهه هشتاد میلادی تا کنون باعث رشد جریانات مختلف اسلامی و رقابت آنها با هم و گسترش تروریسم اسلامی در دنیا شده است و خاورمیانه و بخشی از شمال آفریقا را به خاک و خون کشیده است، ترامپ باعث عروج و قدرتگیری نژادپرستی در جهان میشود و قدرت تخریب این جنبش به دلیل امکانات اقتصادی و نظامی قابل دسترس میتواند جامعه بشری را با خطر جدی مواجه کند.

کسانیکه فکر میکنند سیستم حاکم در آمریکا اجازه یکه تازی به ترامپ نمیدهد و امید خود را مستقیم و غیر مستقیم به مصلحت حاکمان آمریکا گره میزنند متوجه این حقیقت نیستند که هیتلر و خمینی هم سالها با همین تصور مخالفین خود سر کردند و جامعه را با کشتارهای بیرحمانه به جایی بردند که مایه ننگ بشر مدرن و متمدن شد. مهم نیست ترامپ میتواند مثل هیتلر و خمینی دنیا را از این هم بدتر کند یا نه. مهم این است که بشریت متمدن و آزادخواه این خطر را جدی بگیرد و برای مقابله با این خطر به میدان بیاید.

تظاهراتهای اخیر علیه ترامپ امید تازه ای در دنیا زنده کرده است اما توهم به جبهه اسلامیسیم و یا کم اهمیت دادن به آن و سکوت در قبال آن به همان اندازه خطر ناک است که در دوره قبل و در تاریخ معاصر ما شاهد آن بودیم که مثل قارچ جریانات اسلامی رشد کردند و زندگی بشر امروز را تحت تاثیر

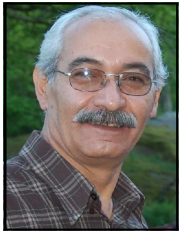
مخرب خود قرار دادند. ترامپ اگر حاصل سیستم گنبدیده سرمایه داری و بازار آزاد است در عین حال حاصل سرخوردگی و شکست و عصبانیت ناسیونالیسم عظمت طلب آمریکایی ناشی از پیامدهای اشغال عراق و شکل دادن به خاور میانه بزرگ است که در مقابل جریانات اسلامی ناچار به عقب نشینی شد. اسلام سیاسی و جریانات منبعث از این جنبش فی الحال بخش بزرگی از جهان امروز را دچار نا امنی و تخریب کرده است.

ترامپ حاصل رویای شکست خورده بورژوازی راست آمریکا است. زیرا بعد از شکست بلوک شرق آمریکا با اتکا به قدرت نظامی تلاش کرد نظم نوین جهانی را شکل بدهد و قدر قدرت جهان باشد. جنگ خلیج و سرنگونی صدام حسین هدفش این بود که آمریکا را از رهبری و راس بلوک غرب به ژاندارم جهان تبدیل کند چون قطب شرقی نبود که مانع او باشد. بورژوازی آمریکا در این استراتژی شکست خورد.

اوباما قرار بود با رویکردی آشتی جویانه با متحدین و مخالفین خود این چهره شکست خورده و رو به افول آمریکا را ترمیم کند. او و ترامپ هر دو متوجه این حقیقت نشدند و نیستند که آمریکا اگر دوره ای بعد از جنگ جهانی دوم به ابرقدرت جهان تبدیل شد،* با شکست بلوک شرق آن دوره پایان یافت. بنابر این آغاز دوره افول آمریکا مدتها است که شروع شده است. ترامپ دو راه بیشتر جلو روی خود ندارد یا باید سرنوشت هیتلر را برای خود رقم بزند و یا همانند اوباما کنار برود و بورژوازی آمریکا واقعیات سرسخت دنیای امروز را بپذیرد.

اما بشریت متمدن و آزادخواه جهان طبقه کارگر و کمونیستها مجبور نیستند و نباید منتظر نتایج سیاستهای راسیستی ترامپ باشند. باید کل این نظام که با منافع بشر امروز همخوانی ندارد را کنار بزنند. فقط کافی است که آمار هر چند ناقص آکسفام را نگاه کنیم تا متوجه عمق فاجعه جهان امروز و کره خاکی خود بشویم که چه بلایی بر سرش آورده اند و سرمایه داری حاکم به کجا میرود. طبق آمار موسسه

آیا برف و بهمن جان کارگران کولبر را گرفت؟



عبدل گلپریان

کسب سود مفتخوران اسلامی تبدیل شده اند. به این وضعیت دردناک و پر از درد و رنج که حاکمان اسلامی برای کارگران کولبر بوجود آورده اند باید اعتراض کرد. کارگران کولبر همانطوریکه بارها نشان داده اند میتوانند و قادر هستند که بر بستر شغلی که به آنها تحمیل شده است

متشکل شده و در گردهمایی های خود به فلاکتی که هر روز با آن دست و پنجه نرم میکنند اعتراض کنند. خواست شغل مناسب و بیمه بیکاری مطالبه اصلی کارگران کولبر برای راهی از جهنمی است که مفتخوران و زالوهای اسلامی برایشان فراهم کرده اند. تا تامین شغل مناسب و برخورداری از بیمه بیکاری، حفظ امنیت این شغل جانکاه در مناطق مرزی خواست دیگر کارگران کولبر مرزی است. کارگران کولبر مرزی و خانواده هایشان بویژه در این شرایط سخت و درناک به حمایتی مردم، فعالین و تشکلهای کارگری و دیگر نهادهای اجتماعی و حمایت نیروهای مختلف سیاسی در هر جا نیازمند هستند. از خواست و مطالبات برحق کارگران کولبر مبنی بر شغل مناسب، امنیت شغلی و بیمه بیکاری وسیعا باید پشتیبانی کرد. با تسلیت به خانواده های عزیزی که در این واقعه جان خود را از دست دادند.

۱۰ بهمن ۹۵

۲۹ ژانویه ۲۰۱۷

بر اساس گزارشات منتشر شده روز شنبه ۱۰ بهمن ۹۵ بر اثر ریزش بهمن در مناطق مرزی ایران و عراق در نزدیک شهرستان سردشت تعدادی از کارگران کولبر قربانی شدند. گزارشات ارسالی تا این لحظه به پیدا شدن ۹ کارگر کولبر اشاره دارد. اسامی ۳ نفر از آنان که در این حادثه در روستای بیوران سردشت جان خود را از دست داده اند به این شرح است:

علی محمد نژاد ۱۸ ساله، شیرزاد عبدالهی ۲۷ ساله، هیوا ابراهیمی ۲۲ ساله اهل بانه. همچنین، قاسم محمود خدر ۳۱ ساله و هیدی ظاهیری ۲۴ ساله به بیمارستان منتقل شده اند.

آیا طبیعت، کولاک و بهمن و سرمای زمستان هم با ماموران مرزی حکومت اسلامی همدست شده و بجان کارگران کولبر افتاده اند؟ هنگام نوشتن این سطور هرچه فکر کردم نمیتوانستم به خودم بقبولانم و بگویم که برف و بهمن جان کارگران کولبر را گرفته است چرا که عوامل اصلی تری در رقم زدن چنین سرنوشتی برای این کارگران و همه کولبران مرزی دخیل هستند که باید تعرض را متوجه آنان کرد. طبیعت و اتفاقاتی از این دست بی تقصیرند. وجود نظامی سراپا نکبت، دزد و ضد انسان است که زیبایی های طبیعت و لذت بردن از آنها را برای کارگران و زحمتکشان و همه مردم تاخت کرده است. بروز این واقعه و مواردی نظیر، سقوط از کوه، یخ زدن در میان برف و سرما، بی حال شدن از شدت گرما و مدفون شدن زیر خوارها برف که جان و زندگی کارگران کولبر را با فاجعه روبرو ساخته است همگی به یمن موجودیت یک نظام بشدت وحشی و ضد انسان خلق شده است که هزاران انسان زحمتکش را برای

تامین معیشت زندگی خود و خانواده هایشان ناچار به روی آوری به این شغل برده وار نموده و زندگی را بکام شان تلخ کرده است. کارگران کولبر مرزی تاکنون نه تنها ازهیچگونه حمایتی برخوردار نبوده اند بلکه هر روز و هر ساعت زندگی آنان با کابوس مرگ و نیستی از سوی باندهای حکومت مواجه شده است. اگر تهدید نیروها و آدمکشان اسلامی در مرزها نباشد، آنان مجبور به از دست دادن جان خود نمیشوند. اگر از شغل مناسب، امنیت شغلی و بیمه بیکاری برخوردار باشند مجبور نیستند و مجبور نخواهند بود به چنین شغلی که نمیشود آنرا شغل نامید روی بیاورند.

همانند هر جای دیگر دنیا آنان نیز میتوانند بجای مواجه شدن با چنین واقعه درناکی، از یک زندگی شایسته انسان امروز بهره مند باشند و کوههای سردشت و دیگر مناطق کوهستانی بجای تبدیل شدن به قتلگاه آنان مکانهایی برای لذت بردن از زیبایی های طبیعت پر از برف زمستانی برای مردم کل منطقه باشد. اما تا این بختک اسلامی وجود دارد چنین امید و آرزویی غیرممکن است. بانی و مسبب گرفته شدن جان زحمتکش ترین انسانها مناطق مرزی بر بستر شرایط و موقعیت شغلی شان، حتی اگر گلوله ای هم بسوی آنان شلیک نشود، جمهوری اسلامی و مزدوران آدمکش این رژیم هستند. این جمهوری اسلامی است که آنان را مجبور به انتخاب این شغل کرده است، نظام سراپا نکبت اسلامی است که هر روز صدها و هزاران انسان را از کار بیکار و آنان را به قتلگاهی که خود ساخته است میفرستد. کارگران کولبر اکنون به یک منبع عظیم اقتصادی برای

آکسفام هشت نفر از سرمایه داران جهان به اندازه نیمی از جمعیت کره زمین ثروت در اختیار دارند. اگر قبلا گفته میشد ۹۹ درصدیها ۱ درصدیها امروز حتی این آمار هم واقعی نیست، باید از اعداد اعشار استفاده کنیم تا این فاجعه فعلی را

آسیب دیده بودند. صنعت آمریکا که در زمان جنگ کمتر آسیب دیده بود از جنگ نصیب زیادی برد و این کشور را در جایگاه اول دنیا قرار داد. اما این وضعیت نتوانست دوام بیاورد.

توضیح بدهیم.
* جامسکی: آمریکا در سال ۱۹۴۵ ابرقدرت شد. در آن زمان آمریکا شاید ۵۰ درصد از ثروت کل جهان را داشت. سایر کشورهای صنعتی منهدم شده یا به شدت

روستای جانوره و دو هلیکوپتر در شویسه مروری بر اقدامات انقلابی و تأثیر گذار در جامعه



نسان نودینیان

خلع سلاح "سپاه زرگاری" در اوایل بهمن ماه سال ۱۳۵۸ نزدیک ۴ دهه است عملی شد.

دو روز قبل از عملیاتی شدن خلع سلاح "سپاه زرگاری" اتفاق جالبی روی میدهد. دو هلیکوپتر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در محلی در نزدیکی روستای شویسه (از توابع کلاترزان مریوان) فرو میشینند. مسئولین آنوقت مقرهای کومه له در نگل (رفقا؛ مجید حسینی، احمد نیکجو، اسد نودینیان، فرج شهابی، همایون گدازگر، موسی شیخ و ناصر رستمی) با بسیج نیروهای این دو مقر به محل فرونشستن هلی کوپترها میروند. و از نیروهای مسلح "سپاه زرگاری" هم از نگل، برقرو و شویسه هم به این محل میایند.

مسئولین کومه له که از قبل طرح خلع سلاح "سپاه زرگاری" را در برنامه های عملیاتی خود داشتند با تیزی و هوشیاری بالایی تصمیم به آرام کردن فضای بگروگان گرفتن نیروهای دو هلیکوپتر میگیرند. با توضیحاتی هوشیارانه برای افراد مسلح "سپاه زرگاری" که فرونشستن و هلیکوپترها دستاورد مشترک است، تلاش میکنند افراد "سپاه زرگاری" را روانه مقرهایشان کنند. و سپس طرح خلع سلاح آنها را عملیاتی و برانجام برسانند.

طرح خلع سلاح "سپاه زرگاری" قرار بود همزمان در یک روز و یک ساعت معین در ۸ بهمن ماه انجام شود. در سنندج، کامیاران و مریوان، شویسه، نگل و برقرو و روستای جانوره. من آن روزها مسئول مقر کوکه له در سروآباد بودم. (با توجه به اینکه در سروآباد همراه رفیق جانباخته کمونیست انقلابی عطا رستمی در سروآباد در سال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ معلم بودم و عطا رستمی سرپرست مدارس بخش

کلاترزان و ژاورد بود، با مردم روستای سروآباد و محمود آباد و درود آشنایی نزدیک و خوبی داشتم). «روستای محمودآباد محل مرکزی فرماندهی و ستاد نظامی نیروهای "سپاه زرگاری" بود، خلع سلاح مقرهای محمود آباد و دورود قرار بود با عملیات نظامی انجام شود. دو روز قبل از اجرای عملیات تعداد ده ها نفر از نیروهای مسلح و پیشمرگ کومه له از مریوان و بوکان تحت فرماندهی رفیق حسین مرادیگی و عبه دارابی در مقر سروآباد مستقر شدند».

در روستای جانوره مقر (کومه له) و مقر نیروهای "سپاه زرگاری" هم وجود داشتند. مسئولین این مقر رفیق جانباخته و کمونیست انقلابی عبه نودینیان و رفیق عبه کهنه پوشی (عبه شیخ عزیز) بودند. رفقای ما با استفاده از یک فرصت مناسب که خلع سلاح را آسان و بی دردسر و بدون خون ریزی میکرد افراد مسلح مقر "سپاه زرگاری" را در روز ۷ آبان ماه خلع سلاح میکنند و به مدت نزدیک به ۳۰ ساعت آنها را در مقرهای کومه له بشکل مخفیانه ای زندانی میکنند. به این دلیل که خبر خلع سلاح این مقر بگوش ستاد مرکزی زرگاری و مقرهایشان نرسد و عملیات سراسری افشا نشود. رفقای مسئول دو عبه (نودینیان و کهنه پوشی) با هوشیاری بالایی با اقدامات ابتکاری و نگهداری عناصر خلع سلاح شده زرگاری مانع افشا طرح سراسری میشوند.

از دهه ۵۰ شمسی ببعد تحولات قابل توجهی در شهرهای کردستان انجام میشود. شهرها به مرور بزرگ میشوند و به تعداد شهرنشینی افزوده میشود. مناسبات فتودالی بر مبنای رابطه فتودال، رعیت و کشاورز در روستاها هنوز وجود دارد اما به مرور ضعیف و اعتراض علیه فتودال ها در روستاهای نزدیک به شهرها تحت نام جنبش دهقانی با حمایت و پشتیبانی روشنفکران چپ و کمونیست شکل میگیرد. بر تعداد نیروی کار ارزان و کارگر مهاجر و فصلی افزوده میشود. مهاجرت کارگر فصلی به چاه بهار و دیگر

مناطق صنعتی و شهرهای بزرگ شروع و رابطه شهرنشینی با روستا تخت تأثیر فرهنگ شهری قرار میگیرد.

در دل تحولات اجتماعی طیف وسیعی از روشنفکر و شخصیت های سیاسی تحصیلکرده با گرایش مارکسیستی و آرمانخواهی سوسیالیستی و ناسیونالیستی در شهرهای کردستان ابراز وجود میکنند.

شرایط بین المللی ده های ۶۰ و ۷۰ میلادی آرمانخواهی انقلابی و جنبش های دانشجویی و کارگری در سطح بین المللی به رشد گرایش به مارکسیسم را بیشتر و همزمان وجود جنبش ناسیونالیستی و گردایه تی - عشیره ای در کردستان عراق، تمایل طیف نسبتا وسیعی از روشنفکران و تحصیلکرده های کرد در تهران و سمیاتی به جنبش ناسیونالیستی را بیشتر و نیروهای قابل توجه از آنها به این جنبش روی آورده و فعال سیاسی جنتش ناسیونالیستی موجود در کردستان عراق میشوند.

این طیف از روشنفکران هرکدام بسهم خود، گرایش طرفداری از مارکسیسم و کمونیستی و گرایش ناسیونالیستی بر فضای سیاسی و جوانان تحصیلکرده در شهرهای کردستان تأثیرات معینی را میگذارند.

شروع انقلاب برای سرنگونی رژیم پهلوی و تظاهرات سراسری در تبریز و تهران خود نیز بر میزان تحرك و نگرش سیاسی روشنفکران با گرایش مارکسیستی و ناسیونالیستی، افزود.

در این نوشته من بخشهای مربوط به عروج سازمانیافته چپ و کمونیستها را ادامه نمیدهم.

امیدوارم در فرصت های دیگر بخشهای بیشتری از این مطلب را ارائه دهم.

با شروع فعالیت سازمانیافته کومه له بعنوان سازمان چپ در کردستان تا پیوستن و تشکیل حزب کمونیست ایران، چند اقدام انقلابی مهم با تأثیر اجتماعی پایدار در تقویت چپ و کمونیسم تأثیرات پایدار و تعیین کننده ای را داشته است.

دفاع و ادامه دستاوردهای انقلابی و دمکراتیک انقلاب ۵۷، خلع سلاح "سپاه زرگاری"، بعقب راندن قدر قدرتی و آنتی کمونیسم حزب دمکرات کردستان ایران نقطه عطفهای مهم و سیاسی چپ در یک دوره مهم و تعیین کننده در کردستان ایران است. هرکدام از این اقدامات در بستر مبارزه سیاسی - اجتماعی تأثیرات دیرپای خود را برجا گذاشته است. اعتماد به نیروهای چپ و کمونیسم را بالا برده. چپ و کمونیسم را در ابعاد اجتماعی در صحنه سیاست در ایران و کردستان بجلو رانده اند.

سوژه روستای جانوره و دو هلیکوپتر در شویسه خلع سلاح "سپاه زرگاری" است. خلع سلاح "سپاه زرگاری" اگر که برای تقویت بنیه نظامی و دستیابی به سلاح های این سپاه ارتجاعی بود، اما هدف پایدار و بنیادی تر را تعقیب میکرد. جلوگیری از رشد جریانات اسلامی و واپس گرایسی مذهبی که بنیانگذاران "سپاه زرگاری" در مرکز ثقل این نوع واپس گرایسی مذهبی قرار داشتند.

خلع سلاح "سپاه زرگاری" یک گام مهم هوشیارانه علیه واپس گرایسی مذهبی بود.

خلع سلاح "سپاه زرگاری" اقدامی مربوط به دوران سپری شده است. اما تأثیرات این اقدام انقلابی سالهای سال پایدار میماند.

مردم در کردستان از رژیم اسلامی متنفرند. این نظام فاشیست اسلامی بر روی دریایی از تنفر و ناراضیاتی حاکمیت خودگمارده خود را تحمیل کرده است.

جنبش های مدنی و توده ای در شهرهای کردستان هر روز وسیع تر میشوند.

مردم سرنوشت متحدانه خودشان را، و پیشبرد مبارزات رادیکال و انقلابیشان را با شرکت در جنبش های مدنی و توده ای سازماندهی میکنند.

مردم فعال و سرحال و پر شور در شهرها با وسیع کردن جنبش های مدنی بیشتر از همیشه در کنار هم قرار میگیرند.

تجارب مردم در شهرهای کردستان بعد از انقلاب ۵۷ و تداوم مبارزه و دفاع از دستاوردهای دمکراتیک انقلاب ۵۷، در خلع سلاح زرگاری در دفاع از کومه له و صف بندی آنها علیه آنتی کمونیسم حزب دمکرات کردستان، حضور زنان مبارز و کارگران با برپایی مراسم های روز جهانی کارگر و گرامی داشت روز جهانی زن، فعالین

حقوق کودک و فعالین و مبارزین علیه کارتن خوابی، فعالین زیست محیطی و ده ها انجمن مدافع حقوق حیوانات و محیط ریست، فعالین کمپین برای لغو اعدام و بخشش، فعالین و مدافعین حقوق زنان، فعالین تاترهای خیابانی و ده ها عرصه دیگر امروز در شرایطی فعالانه در عرصه فعالیت های سیاسی و اجتماعی حضور دارند که جامعه کردستان با پیشینه افتخار آمیز و انقلابی چپ و کمونیستها عروج پیدا کرده است.

(بخشهایی از یادداشتهای «من و تاریخ زندگیم از نسان نودینیان»

به کنگره ما بیایید!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیایید.



برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم از جمله هزینه ورودی کنگره
با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان

مهمترین اخبار این هفته؛

۱- ریزش سنگین برف و جانباختن تعدادی از کارگران کولبر (مرزی) در نزدیکی شهر سردشت
 ۲- جشن آدم برفی ها
 ۳- مراسم های تجلیل از آتش نشانان در شهرهای کردستان
 ۱- ریزش سنگین برف و جانباختن تعدادی از کارگران کولبر (مرزی) در نزدیکی شهر سردشت؛
 بر اثر ریزش سنگین برف ۴ نفر از کولبران. ۱- دیار محمدنژاد ۱۸ ساله فرزند حمزه، ۲- شیرزاد عبداللهی ۲۷ ساله فرزند عمر ۳- هیوا ابراهیمی نیا (هیوا رهش بانمای) ۲۲ ساله فرزند عبدالله ۴- محمد حمزه زاده برادر ریزش بهمین جان خود را از دست داده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده جانباختگان کولبران تسلیت میگوید.
 ما مردم شهر سردشت را به اعتراض و گردهمایی در همیستگی با کارگران کولبر فرا میخواند.

برگزاری جشن آدم برفی ها

در سنجند مراسم آدم برفی ها برگزار شد. در این مراسم صدها نفر از مردم سنجند همراه با کودکان این شهر در جشن آدم برفی ها شرکت کردند. جشن آدم برفی ها مدت چند سال است توسط فعالین حقوق کودک و فعالین جنبش های مدنی برگزار میشود. در جشن آدم برفی ها شعارهای دفاع از حقوق کودکان و جهانشمول بودن حقوق کودک مورد

تاکید قرار میگیرد. تلاشهای مزورانه، و پیشدستی های ارگان های رژیم اسلامی در سنجند به منظور بدست گرفتن ابتکار برگزاری مراسم های آدم برفی ها را نباید بی جواب گذاشت.

حضور شاد مردم سنجند و کودکان این شهر در مراسم های آدم برفی ها گامی مهم در بعقب راندن سیاستهای مزورانه نهادهای رژیم اسلامی در سنجند است. دریایی از ابتکارات توده ای، تجمع و شور و شعف انقلابی در شهرهای کردستان موج میزند. مردم شهرهای کردستان گامهای محکمی برای اعمال اراده مستقل خود در برپایی جشن و مراسم های مستقل را دارا هستند. جمهوری اسلامی و نهادهای ضد انقلابی آنها جایی در میان مردم ندارند.

مراسم تجلیل از آتش نشانان

مراسم تجلیل از آتش نشانان در شهرهای کردستان در مهاباد،

مریوان، پیرانشهر، سنندج، سقز و کامیاران خود جلوه های درخشان از همبستگی و تجلیل از کارگران آتش نشان بود.

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه

۶ بهمن تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه در اعتراض به واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی. کارگران این پالایشگاه در اعتراض به واگذاری پالایشگاه نفت کرمانشاه با قیمتی در حدود ۱۸۰ میلیارد تومان به مدیرعامل کارخانه "شیر بیستون" و نبود امنیت شغلی، همزمان با حضور خریدار و نمایندگان وی در پالایشگاه، به مدت ۵ ساعت دست به تجمع زدند. کارگران می گویند، استان کرمانشاه رتبه خست بیکاری کشور را دارد، مسئولان و دولت به جای احداث و ساخت واحدهای صنعتی و اشتغال زایی درصدد

هستند نزدیک به ۲ هزار نفر دیگر را نیز بیکار کنند.

تجمع اعتراضی جفندر کاران در کرمانشاه

۴ بهمن: جمعی از کشاورزان استان کرمانشاه که دولت و کارخانه ها مطالبات آنها در خصوص خرید تضمینی محصولاتشان را پرداخت نکردند، تجمع کردند. کشاورزان با تجمع مقابل کارخانه "قند بیستون" خواستار پرداخت مطالبات و هزینه دسترنج دو ساله معوق خود شدند. طی دو سال گذشته در دولت یازدهم مقدار زیادی از مطالبات کشاورزان در خصوص خریدهای تضمینی پرداخت نشده و یا با تاخیر زیاد پرداخت شده است. گفتنی است بی توجهی دولت به پرداخت دسترنج کشاورزان، نارضایتی مردم را به دنبال داشته است.

اعتصابات و تجمعات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد

خواهان پرداخت ۵ تا ۸ ماه معوقات مزدی و حل مشکل دفترچه های درمانی خود شدند. ۱۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی اراک، در روز ۱۱ بهمن دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان پرداخت ۴ ماه مطالبات معوقه خود شدند.

تجمعات اعتراضی ۴۸ کارگر کارخانه سیمان مسجد سلیمان ۲۴ روز است ادامه دارد. کارگران خواهان پرداخت فوری مطالبات معوقه خود هستند.
 جمعی از کارکنان موسسه مالی اعتباری ثامن الحجج روز ۱۱ بهمن در مقابل بانک مرکزی در تهران دست به تجمع زدند و به نمایندگی از طرف ۲۷۰۰ نفر از کارکنان این موسسه خواهان تعیین تکلیف این موسسه و ادامه کار خود شدند. به کارکنان این موسسه از دیماه سال گذشته حقوقی پرداخت نشده است. یکی از شعارهای تجمع کنندگان این بود: به اختلاف کم بشه مشکل ما حل میشه.

کارگران کارخانه فیبر ایران در مقابل استانداری گیلان دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت چندماه حقوق و بازگشتن به کار

کارگران بازنشسته سه کارخانه فرخ و نازنخ و منغ در قزوین دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع که روز ۱۲ بهمن صورت گرفت در اعتراض به بلاتکلیفی چندین ساله در دریافت مطالبات سنواتی و مزدی بود.

روز ۱۲ بهمن کارگران شرکت صنایع کاغذسازی نوظهور در اعتراض به ۵ ماه معوقات مزدی، پرداخت نشدن حق بیمه و اخراج ها دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی ۳۰۰۰ کارگر مجتمع کشت و صنعت نی شکر هفت تپه که از روز ۶ بهمن شروع شده پس از گذشت یک هفته همچنان ادامه دارد. عدام پرداخت دستمزدهای کارگران موضوع اصلی اعتراض کارگران است. ۲۵۰ کارگر بازنشسته این مجتمع نیز که هنوز قادر به دریافت مطالبات خود نشده اند در اجتماع کارگران شاغل این مجتمع حضور دارند.
 تجمعات اعتراضی کارگران ماشین سازی هپکو در اراک که از اوایل دیماه شروع شده همچنان ادامه دارد.
 ۳۰۰ کارگر کارخانه فرش پارس در نامه ای به فرماندار شهرستان البرز



برف و بهمن جان تعداد دیگری از کارگران کولبر را گرفت



امن تری برای امرار معاش برخوردار باشند، ناچار نبودند در سرمای زمستان و از راههای خطر ناک و با کار غیر انسانی جسمی از بدن خود برای حمل بار استفاده کنند.

ما همه مردم منطقه و کارگران مرزی را فرامیخوانیم که ضمن همدردی با قربانیان این واقعه هولناک، جمهوری اسلامی را ناچار کنند که دست از سر مردم و کارگران کولبر بردارد تا ناچار امرار معاش کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ ژانویه ۲۰۱۷

بر اساس گزارشات منتشر شده روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷ بر اثر ریزش بهمن در مناطق مرزی ایران و عراق در نزدیک شهرستان سردشت تعدادی از کارگران کولبر قربانی شدند. گزارشات ارسالی حکایت از پیدا شدن جسد هشت کارگر کولبر میکند. اجساد کارگرانی که در زیر خروارها برف مدفون شده بودند به همت همکاران آنها و مردم منطقه بیرون آورده شدند. اطلاع دقیقی از تعداد جانباختگان این واقعه هولناک هنوز در دست نیست.

کولبرانی که در مناطق سخت کوهستانی، از راههای سعب العبور مرزی ایران و عراق ناچاراً به این شغل مرگ آور کولبری روی آورده اند باز هم قربانی شدند. اینبار قبل از شلیک سپاه پاسداران و ماموران مسلح مرزی جمهوری اسلامی به آنها، بلایای "طبیعی" جان تعداد دیگری از کارگران کولبر را گرفت. کولبرانی که با این "شغل" خطرناک می‌خواهند نانی برای خانواده خود بدست بیاورند قبل از آنکه نان به سفره آنها برسد جان تعدادی از آنها گرفته شد. کارگران کولبر اگر در زیر بار

سنگین قطع نخاع نشوند و از شدت خستگی و فشار جسمی جان بدر ببرند و طعمه کمین و شلیک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نشوند و از پرتگاه و سنگلاخهای کوهستانی پرت نشوند و جانشان را از دست ندهند، هنوز باید نگران بلایای "طبیعی" مانند بهمن باشند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با تاسف فراوان از این واقعه دردناک به خانواده و بستگان و همکاران این عزیزان تسلیت می‌گوید. ما جمهوری اسلامی را مسئول این فجایع میدانیم. زیرا اگر کارگران مناطق مرزی شغلی و درآمدی داشتند و میتوانستند از امکانات

بازداشت هاله غلامی به دلیل مشارکت در تشکیل خیریه به نفع کودکان کار

بنا به اخبار منتشر شده هاله غلامی شهروند بهایی شهر تهران در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۵ به دلیل مشارکت در تشکیل خیریه به نفع کودکان کار توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.

ماموران امنیتی پس از بازداشت وی، محل زندگی او را تفتیش کرده و موبایل و تبلت او را ضبط کرده و با خود بردند. هاله غلامی از جمله فعالان حمایت از کودکان کار و بی سرپرست می باشد که در منطقه شهر آرای تهران بازداشت شده است. طی سالهای گذشته شهروندان بهایی بارها به دلیل فعالیت های اجتماعی و مدنی توسط ماموران امنیتی بازداشت و محاکمه شده اند.

قاتل ستایش در آستانه اعدام

بنا به اخبار منتشر شده قاسم عسگری آقباش وکیل اولیای دم ستایش گفت: "پرونده برای اجرا، به

کریم بیگی مجبور شدند او را هنگام غروب آفتاب در شهریار کرج دفن کنند. شهناز اکملی هرسال پیش از برگزاری مراسم یادبود فرزندش، توسط نهادهای امنیتی احضار شده و در مورد محدودیت برگزاری این مراسم تذکر دریافت کرده است. روز چهارشنبه ششم بهمن ماه توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و هم اکنون در «سلول های چند نفره» بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می شود. شهناز اکملی روز بعد از بازداشت، (پنج شنبه هفتم بهمن) طی تماس کوتاهی از صدور قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی برای خود خبر داد و عنوان کرد که به او گفته شده روز شنبه خانواده اش برای تودیع این وثیقه اقدام کنند. در

مراجعه خانواده کریم بیگی به داسرا، مسئولان قضایی ضمن اظهار بی اطلاعی از قرار وثیقه برای این زندانی به آنها گفتند "قرار وی کماکان بازداشت است".

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



خودسوزی دختر ۱۹ ساله در شهرک سوران

روز ۱۶ ژانویه ۲۰۱۷ دختری ۱۹ ساله به اسم "ده وران" دانشجوی شهرک سوران در منزل دست به خودسوزی زد و روز بعد در اورژانس بیمارستان شرق اربیل درگذشت. بنا به گزارش پزشکی بدن ده وران دچار ۹۰ درصد سوختگی شده بود. او دانشجوی مرحله یکم در بخش حقوق در دانشگاه سوران بود. هنوز دلیل اصلی خودسوزی ده وران مشخص نیست اما بنا به گزارشات منتشر شده گویا مسایل خانوادگی یکی از احتمالات در این واقعه بوده است.

دختری ۱۹ ساله خود را در دریاچه دوکان غرق کرد

دختری ۱۹ ساله با نام "پیروز عارف" ساکن روستای "جوبیلاخی" در ناحیه شهرک دوکان از توابع شهر سلیمانیه خود را در دریاچه دوکان غرق کرد. جسد این دختر بعد از بیرون کشیدن از دریاچه به پزشکی قانونی سلیمانیه انتقال داده شد.

خودسوزی دختر ۱۶ ساله پس از گرفتن نمره صفر در مدرسه

خبرگزاری هرانا. دختر ۱۶ ساله وقتتی متوجه شد در یکی از درسهایش نمره صفر گرفته، در مقابل مدرسه اش در تهران اقدام به خودسوزی کرد و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد.

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از همشهری، این دختر دانش آموز مقابل مدرسه اش با ریختن بنزین روی خود دست به خودسوزی زد. این حادثه چند روز پیش مقابل یکی از مدارس دخترانه در تهران رخ داد.

لازم به ذکر است که نظام آموزشی غلط هم در این زمینه با ایجاد فرهنگ بی اساس رقابت در مدارس باعث بوجود آمدن چنین اتفاقاتی است در کشورهای اروپایی درک و فهم دانش آموز از مطالب مهم است و نمره معنی خاصی در مراحل پیش دبیرستان ندارد.

ازدواج های اجباری کودکان با کتک های پدران

دختران کم سن و سال وقتی در برابر ازدواج اجباری مقاومت می کنند زیر کتک های پدر ناچار سر سفره عقد می نشینند. بنا به گزارش خبرگزاری هرانا تعدادی از کودکان حاشیه نشین منطقه خاک سفید که به اجبار والدین خود ناچار به ازدواج و سپس تحمل پیامدهای ناخواسته آن شدند. در پناهگاهی به نام "خانم علم" زندگی می کنند بنا به این گزارش درست در نقطه مقابل آمار نزولی ازدواج جوانان در سال های اخیر، آمارهای پر و پیمانی خودنمایی می کند که خبر از تعداد بالای ازدواج می دهند، اما نه آن ازدواجی که خبرش لبخند بر لب ما بیاورد! این آمارهای صعودی و سرسام آور مربوط به ازدواج کودکانی است که به جای بازی و غرق شدن در دریای رنگارنگ کودکی، ناخواسته در گردابی فرو می روند که هیچ نسبتی با کودکی شان ندارد.

در اینجا نیز همانگونه که قبلا اشاره شده تا زمانی قانون از ازدواج کودکان ۱۳ سال حمایت کند همچنان خانواده های کم در آمد که فاد به گذراندن زندگی بچه های خویش نیستند مجبور به ازدواج زیر سن هستند.

نگرانی خانواده کریم بیگی از بی خبری و انتقال شهناز اکملی به بیمارستان

روز چهارشنبه، شهناز اکملی، توسط نیروهای نهاد اطلاعات در محل کار بازداشت و به منزل شخصی اش منتقل شد. ماموران اطلاعات پس از تفتیش منزل، کلیه وسائل مربوط به شهناز اکملی را توقیف کردند. شهناز اکملی مادر مصطفی کریم بیگی یکی از جان باختگان اعتراضات وقایع ششم دی ماه ۱۳۸۸ است.

مصطفی کریم بیگی در حوالی خیابان نوفل لوشاتو مورد اصابت گلوله از ناحیه سر قرار گرفت. با وجود سکونت وی در تهران، ماموران امنیتی اجازه دفن او را در شهر تهران ندادند، از این رو خانواده

واحد اجرای احکام دادسرای ورامین ارسال شده است."

۲۳ فروردین بود که گزارشی مبنی بر وقوع قتل يك دختر بچه ۶ ساله افغانستانی در روستای خیرآباد ورامین تحویل مراجع قضایی شد. گزارشی حاکی از آن بود که ستایش قریشی که به گفته پدر او یکشنبه ۲۲ فروردین برای خرید بستنی از منزل خارج شده، دیگر به خانه بازنگشته است.

در تحقیقات اولیه مشخص شد که پسر ۱۷ ساله همسایه او را ربوده و پس از تجاوز او را به قتل رسانده بود.

دادستانی این شهر بر رسیدگی ویژه و خارج از نوبت به پرونده تأکید کرد و از نخستین لحظات وقوع این واقعه، رسیدگی به این پرونده به طور ویژه و خارج از نوبت در دستور کار دستگاه قضایی قرار گرفت.

یادداشت‌های هفته

عبدل گلپریان

برای برچیدن احکام مسخره امنیتی علیه جعفر عظیم زاده و دیگر فعالین کارگری باید قاطعانه و متحد به میدان آمد

نهادهای قضایی جمهوری اسلامی بار دیگر اقدام به تعقیب و دستگیری جعفر عظیم زاده کردند. به منزل وی یورش برده و با ایجاد فضای رعب و تهدید ضديت هميشگی خود را با گورکنان سرمایه و رانت خواران بنمایش گذاشتند. جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی کيفرخواست جنبش کارگری و دیگر مزدبگیران را در بیانیه ای در گوش کارفرمان و دولت حامی آنان فرو کردند. آنان بعنوان نماینده، سخنگو و تبلور خواست و مطالبات ۹۹ درصد از مردم ایران این بیانیه را منتشر کردند که چیزی جز اعتراض به گروهکشی نان سفره خانواده های مزدبگیران توسط کارفرمایان و دولت حامی آنان را در خود نداشت. کارفرمای شاکي از جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد با بالاکشیدن سود کارخانه و دستمزد کارگران بدون هیچ گونه تهدید و تعقیبی در حمایت ماموران حکومتی راست راست آزادانه راه میرود و فعالین کارگری معترض به این دزدیها و چپاولها با تهدید، زندان، وثیقه و تعرض به حرمت و کرامتشان از سوی نهادهای حکومتی روبرو میشوند.

بسیار و بسیار میتوان از فلاکت اعمال شده بر زندگی کارگران و بخش اعظم مردم مزدبگیر در ایران گفت و نوشت. اکنون دیگر تمامی مردم از این همه جرم و جنایت اعمال شده از سوی دولت، کارفرمایان و ماموران مزدوشان علیه کارگران و فعالین کارگری آگاه هستند. هیچ راهی بجز اعتراض و ابراز تنفر و انزجار از این همه بیحقوقی اعمال شده وجود ندارد.

جنبش کارگری و فعالین این جنبش، فعالین جنبش اعتراضی معلمان و دیگر حرکت‌های اجتماعی میتوانند و باید متحد و یکصدا در مقابل این همه اجحاف و قلدری دولت و کارفرمایان بایستند. اعتراض سراسری، متحد و یکپارچه به امنیتی کردن اعتراضات بویژه

خود در تجمعات اعتراضی متحدانه و سازمانیافته و در اعتراض به امنیتی کردن تلاش فعالین و مبارزه کارگران، یکبار برای همیشه این احاکم ظالمانه، پوچ و بی اساس لاشخورهای اسلامی سود و سرمایه را عقب زده و آنان را وادار به برداشته شدن این احکام نمایند. جنبش کارگری در ایران از این ظرفیت و توانایی برخوردار است که بسیاری از مطالبات زیرپا نهاده شده اش را با اعتراضات گسترده، اعتصابات و حضور در خیابانها به همراه خانواده هایشان از حلقوم رانت خواران و چپاول گران اسلامی سود و سرمایه بیرون بکشند.

۸ بهمن ۹۵

علل پدیده خودزنی در میان دختران دانش آموز

در سالهای اخیر، خودزنی و تیغ‌انداختن روی دست، ران پا و حتی سر، دارد به يك روال معمول میان دختران ۱۴ تا ۱۶ سال تبدیل میشود. این رفتار در بیشتر مدارس کشور دیده می‌شود.

برخی روان‌شناسان بر این باورند که چنین پدیده ای بازتاب خشنوتی است که از جامعه تا خانواده و حتی ساختار نظام آموزشی کشور را هم دربر گرفته‌است. در واقع، خودزنی، آن‌هم در میان دختران، پاسخی خشن به خشونت پیرامونشان است. آن‌ها بدنشان را هدف قرار می‌دهند چون نمی‌توانند فهمیده شوند.

از طرف دیگر همین روان‌شناسان در داخل کشور بر این باورند که، "گویا آموزش و پرورش در خواب است و این پدیده را نمی‌بیند". نکات بالا بعضاً روی مسئله انگشت گذاشته‌است اما همچنان سطحی‌نگرانه به این درد اجتماعی اشاره میکند و ریشه اصلی را هدف قرار نمیدهد. برای روان‌شناسان داخلی رفتن تا سطح آموزش و پرورش قابل درک است اما باید غده اصلی را نشان داد و راه درمان واقعی را هم تجویز کرد.

پدیده خود زنی را بندرت میتوان در کشورهای دیگر سراغ داشت. عمل خود زنی آنهم در میان دختران در سنين ۱۴ تا ۱۶ سال و بعضاً پایینتر تنها ویژه ایران تحت حاکمیت اسلام است. برای دانستن

علل این رفتار قبل از هر چیز باید به مناسبات و سیستم حاکم بر جامعه و سپس به دیگر مراکز و نهادهایی همچون آموزش و پرورش و سپس به خانواده هم شروع به بررسی این پدیده کنیم و دنبال علل معطل خود زنی بگردیم باز هم این بررسی ما را به مناسبات و قوانین حاکم بر جامعه رجوع خواهد داد.

از خانواده شروع کنیم. دختران در سنين ۱۴ تا ۱۶ سال در خانواده با موانع، محدودیتها و محرومیتهاي بیشماری روبرو هستند. این موانع و محدودیتها برای پسران در خانواده موجود نیست. در میان بسیاری از خانواده ها پدر و برادر در ایجاد موانع بر سر راه پروسه طبیعی و رشد دختران اولین مانع هستند. این مانع خود نیز متأثر از عوامل دیگری خارج از مناسبات خانواده است که به پدر و برادر منتقل شده است. در محیط کار، اداره و دیگر مراکز که بنوعی قوانین و موازین خاص حکومتی مطابق با فرامین اسلامی و مرد سالار بر آنها حاکم است، اولین مراکز در تحمیل محدودیتها به دختران در خانواده هستند. قوانین یاد شده را سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه تعیین و اعمال میکنند.

در ایران تحت حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی، هدف اولیه تعرض به زنان است. نزدیک به چهار دهه از وجود چنین مناسباتی که بر پایه قرآن و اسلام بنا شده است، زنان و بویژه دختران باز هم اولین اسیران و به بند کشیده شده گان در این مناسبات هستند.

دختران ۱۴ تا ۱۶ ساله تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا در مقطع سنی ویژه و حساسی پا به عرصه واقعی زندگی اجتماعی میکنند. این دوران یعنی پایان دوران کودکی و نوجوانی و ورود به دنیای جوانی و مرز بزرگسالی. ورود به سن ۱۴ تا ۱۶ سال هم برای دختران و هم برای پسران به معنی بروز يك انقلاب در متابولیسم ساختار بدنی، افکار، احساسات و عواطف آنان بشمار میرود که همزمان کل سیستم بدنی را شامل میشود. بروز احساساتی که در دوران قبل از این سن در آرا نبود دختران را متوجه دست یابی به خواستهای طبیعی خود میکنند.

احساس بزرگ شدن، اتکا به رفتارهای عقلی و منطقی، عواطف و احساسات عشقی و تمایلات طبیعی جنسی که یکی از مهمترین جنبه ها در سنين بلوغ است، توجه به ساختار بدنی و زیبایی های ظاهری و باطنی و بالاخره بسیاری از این دست از تحولات طبیعی و ذاتی انسان در دختران پا به میدان میکنند. آنچه که در ایران تحت تسلط حکومت اسلامی و با قانون و دیگر سنتهای عقب مانده اسلامی به سرکوب دختران در این سنين مبادرت می ورزد، در کشورهای پیشرفته جهان همراه است با توجه جدی و مسئولانه به وضعیت و شرایط خاص دختران و پسران در این سن. توجه و احساس مسئولیت اجتماعی بخش جدایی ناپذیر از قوانین اجتماعی و در آموزش پرورش است که امری لازم الاجرا و حاکم بر این کشورها است.

با توجه به آنچه که شمه ای از آن بیان شد، تعرض دختران به جسم و بدن شان، متأثر از سرکوب سیستماتیک و ایجاد محرومیت و محدودیتها در مدارس، محیط های اجتماعی و خانوادگی نسبت به دختران است. حاکمیت اسلامی، قوانین و موازین بشدت ضد انسانی، آن، تعقیب و کنترل، اعمال فشار و توهین و تحقیر جوانان دختر در ایران، آنان را در بحرانی ترین و متحولترین مقطع سنی زندگی شان با کوهی از موانع مواجه میسازد و آنان را وادار به این نوع آزار رسانی به اعضای بدن و برای خالی کردن فشارهای درونی خود میکند.

انفجار درونی این مقطع سنی که مملو از محبت، عشق، نیازهای جنسی، عاطفی و بسیاری از تمایلات واقعی و انسانی آنان است با کوهی از تعرض و سرکوب روبرو میشود که عمل خودزنی برای خالی کردن فشارهای روحی و جسمی یکی از این عارضه ها است. در اثر همین فشارها در مواردی شاهد خودکشی در میان این دسته از جوانان بویژه دختران بوده ایم. کشیده شدن و رو آوری به اعتیاد به مواد مخدر که بصورت مجانی و سازمانیافته توسط دستگاههای حکومت در دسترس هست یکی دیگر از نتایج این سرکوب و محرومیتها است. ازدواجهای زودرس، تحمیلی و یا از

از صفحه ۶

یادداشت‌های ...

سر ناچاری نیز می‌تواند در اثر این فشارها خلق شود که متعاقب آن از هم پاشیده شدن همین شرایط تحمیلی را نیز با خود به ارمغان می‌آورد.

برخلاف نظر روانشناسان داخلی که می‌پندارند گویا نهاد آموزش و پرورش در خواب است، باید گفت که سیستم آموزش و پرورش در ایران منطبق بر ساختار، قوانین و دستور العمل‌های سیستم حاکم بر کشور کار می‌کند. هیچ‌گونه خواب‌بودنی در کار نیست. نمیتوان از غده‌های کوچک سرطانی که در تمامی نهادها و بدنه دستگاه حاکم و در یک غده سرطانی بزرگتر ایجاد شده است انتظار علاج این بیماری و یا دیگر بیماری‌های اجتماعی را داشت.

علیرغم آنچه که اشاره شد بسیاری از جوانان در مقابل این همه تعرض و محرومیت راهکارهای دیگری را برگزیده‌اند. آنان با ایجاد مناسباتی در میان خود و بدور از تعرض سیستماتیک قوانین حاکم، روزنه‌ای برای برون رفت از این بن بست و بحران را دنبال کرده و می‌کنند. مناسباتی منطبق با نرم‌های سالم در زندگی اجتماعی که از منظر حاکمیت ممنوع است را دنبال می‌کنند. ارتباطات جهانی سبب شده که اکثریت عظیم مردم و بویژه جوانان دختر و پسر مطابق با نرم‌های طبیعی که در کشورهای غربی بعنوان نرم و عرف زندگی اجتماعی تعریف شده است را بطور پنهانی و بعضاً آشکار در این مقطع سنی در روابط و مناسبات خود برگزینند. حاکمیت اسلامی با اعمال فشارهای متعدد بر جوانان کار خودش را میکند و جوانان دختر و پسر نیز بدون توجه به این همه موانع خشن و ضد انسانی کار خودشان را می‌کنند.

برای آندسته از دختران که از سر فشار و محرومیت‌های متعدد به عمل خودزنی روی می‌آورند باید اقدامات جدی انجام داد. همانگونه که اشاره شد از خود سرطان نمیتوان انتظار علاج بیماری را داشت اما میتوان با راه اندازی کمپین‌ها، تحمیل فشارها و اطلاع رسانی در سطح وسیعی در جامعه، ساختار و نهادهای حاکمیت بویژه آموزش و پرورش را تحت فشار قرار داد.

آموزش و پرورش، ساختار حکومت و دیگر نهادهای زیربند و مسئول را بایستی بعنوان مسببین اصلی این درد و دیگر امراض اجتماعی معرفی کرد و آنان را وادار به توجه و رسیدگی به این مشکلات کرد. سازمانها و نهادهای اجتماعی مستقل از دولت همیشه نقش برجسته ای در تمامی کارزارهای اجتماعی ایفا کرده‌اند. فعالین این نهادها میتوانند ضمن اعمال فشار بر نهادهای مربوطه، امر آگاهگری، حمایت و کمک فکری به جوانان دختر را بعنوان یکی از وظایف مهم خود تلقی کنند. خانواده‌ها نیز بایستی در این امر مهم حامی دختران و جوانان در محیط خانواده و در اجتماع باشند و آنان را تحت پوشش حمایت‌های معنوی، عاطفی و انسانی خود بگیرند.

علیرغم این تلاشها اما پایان دادن به پدیده خودزنی در میان دختران دانش آموز و پایان دادن به تمامی مصائب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحمیل شده به کل جامعه، برداشتن غده سرطانی اسلام و حکومت اسلامی در ایران و ایجاد مناسباتی سالم و انسانی است تا بتوان این بیماری و دیگر بیماری‌های تحمیل شده بر جامعه را از میان برداشت.

۷ بهمن ۹۵

۲۶ ژانویه ۲۰۱۷

در جریان مارش زنان علیه ترامپ چه گذشت؟

تظاهرات میلیونی زنان در آمریکا و در بیش از شصت کشور جهان مواضع مختلفی را در میان موافقین و مخالفین این حرکت با خود به همراه داشت و بعضاً نیروها گرایشاتی بیستفاد از کنار آن رد شدند. شخصا از طرفداران شرکت در این حرکت اعتراضی بودم و در شهر هلسینکی به همراه دوستانی در این مارش شرکت کردم. متأسفانه از قبل نوبت سخنرانی نگرفته بودیم اما شعارها و برنهایی که در دست داشتیم مورد توجه دوربینها و کل جمعیت قرار گرفت.

ابتدا می‌خواهم از مواضع آندسته از مخالفین که در تقابل با این حرکت اظهار نظر کردند اشاره کنم.

مخالفان تظاهرات یاد شده با تمرکز کردن بر روی گوشه یا گوشه‌هایی از این تظاهرات که گویا "مردم برای نشان دادن همبستگی با مسلمانان آمریکا از سمبل حجاب استفاده کردند"، این حرکت را زیر سؤال بردند. استدلال آنان این است که این رفتار در حمایت از حجاب بعنوان سمبلی که در برخی "کشورهای اسلامی" اجباری است به تقویت آن کمک میکند از این رو این تظاهرات را ارتجاعی ارزیابی کردند.

برخی دیگر بر این باورند که پوستر دختری که حجاب بر سر دارد به عنوان "لگوی اصلی" به محل آورده شده و بزعم آنان این بمعنای نشان دادن هویت زنان در خاورمیانه است. انتقادات دیگری از این دست را میتوان برشمرد از جمله یکی دانستن خط ترامپ با برخی از چهره‌های سرشناس هنری که در این مارش علیه ترامپ شرکت داشتند. من می‌خواهم این را هم اضافه کنم که علاوه بر اینها، منتقدین موارد دیگری از حضور دسته‌ها و گروه‌های ارتجاعی دیگر که در این تظاهرات شرکت داشتند را متأسفانه ندیدند چرا که از همه رنگ در این حرکت شرکت داشتند و تنها مسئله حجاب نبود چرا که در تظاهرات روز ۲۱ ژانویه در آمریکا و کشورهای دیگر حتی تعدادی از طرفداران ترامپ هم در حمایت از او شرکت داشتند.

می‌خواهم بگویم که در این تجمع وسیع انواع گرایشات مختلف از راست تا چپ در آن در آن بودند.

اما مشکل اصلی مخالفین این حرکت در این است که از یک موضع ایدئولوژیک و مکانیکی به یک حرکت گسترده اجتماعی و میلیونی در سطح جهان برخورد کردند. تفکیک کردن هر دسته و گروهی با هر گرایش ارتجاعی در یک حرکت اجتماعی گسترده که آنرا پوپولیستی نام گذاشتند و زیر سؤال قرار دادن آن، زیاده از حد ذهنی، مکانیکی و دلخواهی بود. مخالفین این حرکت با سیاه و سفید نشان دادن و ساختن جدولی خط کشی شده از انواع جریانات شرکت کننده در آن بگونه ای غیر اجتماعی و در ظرفیت نگرش چپ سنتی به تحلیل و بررسی از آن دست زدند.

مخالفین این حرکت قادر نبودند

تحركی در این سطح در ابعاد اجتماعی و با حضور انواع گرایشات مختلف در آن را تشخیص دهند. با همان عینک مخالفت، این تصویر را به مخاطبین خود دادند که گویا یک جریان بشدت ارتجاعی، عقب مانده مدافع ترامپ و با پرچم حجاب فراخوان این حرکت میلیونی را داده است و نیروهای رادیکال هم با آنها همصدا شده‌اند؟! حداقل تصویری که من از مخالفت آنان گرفتم این بود.

از طرف دیگر در تکمیل مخالفت با این حرکت لنز دوربینهای خود را بر روی گوشه‌هایی از حضور دسته‌ها یا جمعیهایی که موضع عقب مانده را بنمایش گذاشته بودند متمرکز کردند.

اما واقعیت مسئله این بود که در جریان این حرکت مهم و میلیونی که ابعاد و تاثیرات جهانی دارد، علاوه بر گروه‌های عقب مانده، جریانات، نیروها و گرایشاتی قدرتمند تر در آن شرکت داشتند که رادیکالیسم را در دفاع از برابری زنان نمایندگی کردند. ابعاد گسترده این رادیکالیسم را در دیدنوها، شعارها و بعضی از سخنرانها که علیه ترامپ، علیه راسیسم و نژاد پرستی و علیه سکسیزم ترامپ و ضد زن بودن او بنمایش گذاشتند میتوان مشاهده کرد و شنید. اگر قرار باشد با استدلال مخالفین، این نوع حرکتها را بحال خود بگذاریم و هم با اخ است آنرا بدرقه کنیم، هم ترامپیسم با تمامی کثافتت و هم نیروهای ارتجاعی میداندار خواهند شد.

مخالفین این حرکت اشتیاق و تمایلی به برجسته کردن این جنبه از

حرکت رادیکال زنان نداشتند و علاقمند بودند کلیت این حرکت را زیر چتر چند جمع ارتجاعی توضیح دهند.

و بالاخره نکته آخر اینکه اگر نیروهای مسئول و دخالتگر در تحولات اجتماعی واقعا می‌خواهند اشتیاق این را دارند که بر این گونه حرکت‌های ماکرو اجتماعی تاثیر عمیق و ریشه‌ای بگذارند راهش این است که با شرکت و دخالت در آنها سخنگوی رادیکالیسم، در دفاع و نمایندگی کردن حقوق برابر زن باشند. اگر این نیروها امکان حتی شرکت حضوری در این تظاهرات را هم نداشته باشند کمترین توقع از آنان این است که در حمایت از آن، در تحلیل و بررسی دقیق و درست از روند این اتفاقات، آنرا گامی بجلو ببرند نه اینکه در مقابل آن بایستند.

برای نیروها و جریانات چپ، کمونیست و مدافین واقعی برابری حقوق زنان، امر دخالت‌گری، کوبیدن مهر خود بر وقایع، بدست گرفتن تریبون سخنرانی و نقد عمیق و ریشه‌ای از وضع موجود و در این مورد مشخص دفاع از حقوق زن و علیه توحش بتمام معنای ترامپیسم، یک امر بدیهی است.

تنها نیروهای چپ، رادیکال و مدافع واقعی حقوق برابر زنان هستند که قادرند ضمن نقد عمیق به آن، به این نوع حرکتها بطور ریشه‌ای افق و چشم انداز روشنی بدهند. تقدیری در کار نیست. با تصمیم از پیشی و اراده آگاهانه عناصر فعال در تحولات سیاسی اجتماعی در جامعه است که میتواند ورق را بنفع انسانیت برگرداند.

۲۵ ژانویه ۲۰۱۷

قصاص را باید به زباله دان انداخت!

حکومت شلاق باید گورش را گم کند!



شلاق ممنوع!

"شلاق" حکم شنیع و غیر انسانی اسلامی است، "شلاق زدن" جرم است

فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران به همه کارگران در سراسر کشور پیرامون حداقل مزد سال ۱۳۹۶

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۲۶۵۷۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سوسیالدها در آذر ماه ۱۳۸۹ به این سو و بر اساس قانون هدفمند سازی یارانه ها حداقل مزد را منجمد کرده بودند و ریالی هم در این سالها به آن افزوده نشده بود.

اما امسال با توجه به سیاست آشکار و بسیار گستاخانه دولت روحانی برای انجماد حداقل مزد عدم برگزاری جلسات مزد و همچنین کوتاه آمدن تشکلهای دست ساز کارگری از خیمه شب بازی های هر ساله شان در این مورد، کاملاً روشن است که قرار نیست حتی مشابه سالهای پیش نیز برای افزایش حداقل مزد اقدامی انجام دهند. لذا لازم است ما کارگران بیش از هر سال دیگری نسبت به افزایش حداقل مزد و روند آن حساسیت و عکس العمل نشان بدهیم.

در این راستا اتحادیه آزاد کارگران ایران از تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری، همه کارگران در سراسر کشور بویژه کارگران صنایع کلیدی همچون پتروشیمی ها و نفت، صنایع خودروسازی و فولاد و معادن میخواید تا نسبت به عدم برگزاری جلسات مزد و عدم انعکاس اخبار آن دست به اعتراض بزنند و به نحو مقتضی از طریق طومار نویسی و یا تجمعات مطالبه محور و معترضانه و یا اعتصاب و به خیابان آملن، بطور متحدانه ای خواهان اجرای ماده ۴۱ قانون کار و افزایش حداقل مزد بر اساس سبد هزینه یک خانوار چهار نفره بشوند. همه ما کارگران باید بدانیم تجمع، اعتصاب و اعتراض به ستم معیشتی حق مسلم ماست و هیچ قدرتی را یاری سلب حق خواهی از ما کارگران و تلاش برای برخورداری مان از یک زندگی انسانی نیست.

همبسته تر باد مبارزه سراسری کارگران ایران برای افزایش حداقل مزد

اتحادیه آزاد کارگران ایران
نهم بهمن ماه ۱۳۹۵



کودک از ادامه تحصیل و گسیل آنها به بازار کار و دهها مصیبت لاعلاج دیگر به سیمای يك جامعه هشتاد میلیونی که دارای رتبه اول ثروتهای طبیعی در جهان می باشد تبدیل شده است.

با این حال دولت روحانی به شکل بسیار گستاخانه ای همچنان در تلاش برای ارزان سازی نیروی کار و تحمیل فقر و گرسنگی روز افزون بر میلیونها خانواده کارگری از طریق تصویب و اجرای لایحه اصلاحیه قانون کار و انجماد حداقل مزد بوده است و اینک که با اعتراضات گسترده ما کارگران تا بدینجای کار نتوانسته اند این لایحه را به سرانجام مطلوب خود برسانند در صددند تا از طریق دستکاری آشکار در نرخ تورم و مسکوت گذاشتن حداقل مزد سال ۹۶ تا واپسین روزهای سالجاری، از یک سو هم سدی در برابر اظهار نظر و اعتراض ما کارگران نسبت به روند تعیین حداقل مزد سال آینده ایجاد کنند و هم، هر آنچه را که خود می خواهند بی هیچ کم و کاستی به تصویب برسانند.

هر چند که مبارزات ما در طول سالهای گذشته توانسته است منجر به اجرای ماده ۴۱ قانون کار و افزایش حداقل مزد بر اساس سبد هزینه یک خانوار چهار نفره و برخورداری مان از یک زندگی انسانی بشود با این حال در طول سالهای گذشته ما موفق شده ایم سیاست و تلاش هر دو دولت احمدی نژاد و روحانی را برای انجماد حداقل مزد به شکست بکشانیم و در پایان سال ۹۱ نیز موفق شدیم با طومار اعتراضی چهار هزار نفری برای افزایش مزد و تجمعات محدود کارگران امضا کننده این طومار و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، بند و بست پشت پرده و قطعی دولت و کارفرمایان و نماینده های دست ساز کارگری برای افزایش حداقل مزد به میزان ۱۵ درصد برای سال ۹۲ را در هم بشکنیم و آنرا در این سال به ۲۵ درصد برسانیم. و اگر نبود این اعتراضات و دیگر اعتراضات کارگری، از مقطع قطع

امروز نهم بهمن ماه است و تا تعیین حداقل مزد سالیانه حداقل ۴۰ روز وقت باقی است. امسال بر خلاف سالهای گذشته جلسات حداقل مزد که هر ساله از آبانماه کلید می خورد، یا برگزار نشده است و یا وزارت کار و نهادهای دست ساز کارگری از انعکاس آن در خبرگزاریها خودداری کرده اند. تنها خبری که تاکنون در این مورد منتشر شده است مربوط به ۱۶ دی ماه است که در حاشیه جلسه موضوع پیوستن ایران به مقابله نامه ۱۴۴، مسئله حداقل مزد و منطقه ای شدن آن مطرح و سپس در حاشیه جلسه مربوط به لایحه اصلاحیه قانون کار اعلام گردید طرح منطقه ای شدن مزد منتفی است.

کارگران و یاران و همکاران در سراسر کشور در طول ۲۸ سالی که از تصویب قانون کار میگذرد دولت و کارفرمایان از یک سو از طریق ممنوعیت ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و جلوگیری از حضور نماینده های واقعی کارگران در شورایی عالی کار و از طرف دیگر بیکارگیری نماینده های دست ساز کارگری در این شورا، هر آنچه را که متضمن غارتگری های شان در تعیین حداقل مزد بوده است به پیش برده اند و هر ساله با تعیین حداقل مزدی ناچیز و خفت بار شرایطی را پدید آورده اند که فی الحال فاصله سبد هزینه یک خانوار چهار نفره با حداقل مزد به مرز ۵ برابر رسیده و میلیونها کارگر شاغل و بازنشسته و معلم و پرستار از تامین حداقلی از معاش در مانده اند. طوریکه امروزه خودکشی و خودسوزی کارگران بدلیل فقر و نداری، فروپاشی هزاران خانواده کارگری در نتیجه مشکلات اقتصادی، کارتن خوابی و گور خوابی، کلیه فروشی، تن فروشی زنان، زیاده گردی انسانها، اعتیاد، حذف اساسی ترین اقلام غذایی از قبیل گوشت و میوه از سفره های کارگران، عدم دسترسی به درمان مناسب، باز ماندن صدها هزار

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!